



## Critique of Arthur Jeffrey's Methodology in Analyzing the Words

### Involved in the Quran\*

Seyyed Isa Mostarhami<sup>۱</sup>

#### Abstract

The words involved are singular non-Arabic words that enter the Arabic word from another language and are used in the same meaning and with the same word (or with slight differences). The claimants and deniers of the existence of this category of words in the Holy Quran, refer to historical and linguistic evidences and reasons and follow different methods to study this issue. Determining the correct method for examining the words involved in the Quran is important; because it closes the way to abuses such as claiming that the Quran is influenced by the culture of the time and non-Arabic texts of the time of revelation. Orientalists have studied this subject with various motives and have written several works in the last two centuries. In the meantime, Arthur Jeffrey, author of *The Words Involved in the Quran*, has a special reputation. Jeffrey, by discovering historical roots, sometimes according to the structural principle and sometimes the usage of words, has explained more than ۳۲۰ words of Quranic words and claimed that they are involved words. The usages of descriptive-analytical and critical methods indicate that Jeffrey's studies in this field have suffered from methodological problems; Such as including some incorrect assumptions, misunderstanding of the characteristics of the Quran, incomplete derivation and induction, conjectural and unscientific judgments that have guided his statements and led to some judgments and misconceptions in determining the meaning of the words involved and why they are used in the Quran.

Keywords: Quran, Alien Words, Arthur Jeffrey, Methodological Critique

---

\*.Date of receiving: ۲۲, January, ۲۰۲۱ - Date of correction: ۱۸, October, ۲۰۲۱ - Date of approval: ۱۹, October, ۲۰۲۱.

<sup>۱</sup> - Assistant Professor and Faculty Member of the Department of Natural Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, dr.mostarhami@chmail.ir



## نقد روش‌شناسی آرتور جفری در تحلیل واژگان دخیل قرآن\*

سید عیسی مسترحمی<sup>۱</sup>

### چکیده

واژگان دخیل، الفاظ مفرد غیرعربی هستند که از زبانی دیگر وارد لغت عربی شده و در معنایی یکسان و لفظی مشابه [و یا با اندک تفاوت] به کار می‌روند. مدعیان و منکران وجود این دسته واژگان در قرآن کریم، به شواهد و دلایل تاریخی و زبان‌شناسی استناد می‌کنند و روش‌های متفاوتی را برای بررسی آن پی می‌گیرند. تعیین روش صحیح برای بررسی واژگان دخیل در قرآن از آن‌رو دارای اهمیت است که راه را بر سوء استفاده‌هایی همچون ادعای تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه و متون غیرعربی عصر نزول می‌بندد. خاورشناسان با انگیزه‌های گوناگونی به مطالعه این موضوع پرداخته و نگاه‌های متعددی را در دو سده اخیر به نگارش درآورده‌اند. در این بین، آرتور جفری، نویسنده کتاب «واژگان دخیل در قرآن» از شهرت ویژه‌ای برخوردار است. جفری با کشف ریشه‌های تاریخی، گاه با توجه به اصل ساختاری و گاه کاربرد واژگان به توضیح بیش از ۳۲۰ واژه از واژگان قرآنی پرداخته و مدعی دخیل بودن آن‌ها شده است. بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و انتقادی نشان می‌دهد، مطالعات جفری در این زمینه به آسیب‌هایی روشی مبتلا شده است؛ همچون دخالت دادن برخی پیش‌فرض‌های نادرست، درک نادرست از ویژگی‌های قرآن، تتبع و استقرای ناقص، داوری‌های حدسی و غیر عالمانه بوده که به اظهارنظرهای وی جهت‌دهی داده و منجر به برخی قضاوت‌ها و برداشت‌های نادرست در تعیین مصداق واژگان دخیل و چرایی کاربرد آن‌ها در قرآن شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، واژگان بیگانه، آرتور جفری، نقد روش‌شناسی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۷/۲۶ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۷.

۱ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم طبیعی، جامعه المصطفی العالمية، قم، [dr.mostarhami@chmail.ir](mailto:dr.mostarhami@chmail.ir)



## مقدمه

زبان‌ها همواره با یکدیگر در تبادل لغات هستند. زبان عربی نیز در این روند، دو گونه عملکرد داشته است، گاهی واژه وام گرفته شده را بدون هیچ تغییری، در خود جای داده و به کار می‌برد که «واژه دخیل» نامیده می‌شود؛ و گاهی تغییراتی در آن کلمه ایجاد می‌کند و سپس آن‌ها را همچون واژگان اصیل خود بکار می‌برد که به این گروه «کلمات معرب» گفته می‌شود (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۳۹). الفاظ مفرد در قرآن را از جهت موضوع بحث می‌توان به اسماء اعلام (اسم‌های خاص) و غیر آن‌ها تقسیم کرد. با تحقیق در نگاه‌های دانشمندان در این زمینه درمی‌یابیم که همگی بر وجود اسم‌های علم غیرعربی مانند: ابلیس، انجیل، طالوت، هارون، یاجوج و... در قرآن اتفاق دارند (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۷۸: ۱/۶۸؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۲/۱۲۶)؛ و تنها اختلاف آنان در وجود الفاظ غیر علم (اسم خاص) و غیرعربی در قرآن است که آیا چنین الفاظی در قرآن وارد شده یا خیر؛ بنابراین محل نزاع منحصر به الفاظ مفرد اجمعی غیرعلمی است که در قرآن و زبان‌های غیرعربی به لفظ و معنای واحد استعمال شده‌اند.

## ضرورت توجه به واژگان دخیل

لزوم توجه به مفردات قرآن کریم و فهم و تفسیر آن‌ها، قبل از پرداختن به تفسیر جملات و عبارات قرآنی، امری بدیهی است. این مسئله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که واژه‌ای در زبان عربی اصالت نداشته و وام گرفته شده از زبان‌های دیگر باشد. به‌طور اختصار می‌توان ضرورت توجه به واژگان دخیل و معرب را به‌صورت زیر بیان کرد.

## الف: یافتن معانی دقیق برخی واژگان

با توجه به اینکه قرآن کریم درباره امت‌های گذشته و اقوام غیر عرب سخن به میان آورده، برخی واژه‌های ویژه آن ملت‌ها و حداقل قسمتی از اعلام و اصطلاحات آنان را به کار گرفته است. در این صورت، اگر معنای کلمات وام گرفته شده در قرآن آشکار نباشد و یا احتمال آن باشد که با جستجو در مفاهیم آن کلمات در زبان مرجع، مفادشان روشن‌تر شود، بررسی موارد استعمال این واژگان در زبان مرجع و زبان عربی قبل و بعد از نزول قرآن ضروری به نظر می‌رسد.

## ب: دفع توهم تناقض دورنی قرآن

برخی بر این گمان اند که وجود واژگان دخیل در قرآن با عربی بودن آن، که در آیات متعددی (یوسف/ ۲؛ شعرا/ ۱۹۵) تصریح شده، ناسازگار است (جوالبقی، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، ۱۴۱۹ ق: ۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷ م: ۳۸۳/۱). تبیین چستی واژگان دخیل برای دفع این توهم و پاسخ گویی به برخی از شبهات در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

### ج: تبیین عدم تلازم بین وجود واژگان دخیل در قرآن و غیر وحیانی بودن قرآن

گروهی وجود واژگان دخیل در قرآن را، نشانه ای بر متأثر شدن قرآن از کتب پیشین و منابع غیر وحیانی می دانند (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴ ش: ۲۹۶؛ گلدزیهر، العقیة و الشریعة فی الاسلام، ۱۹۹۲ م: ۶). طرح و تبیین چستی واژگان دخیل می تواند پاسخ گو به این توهم باشد.

### پیشینه بحث

مسئله واژگان دخیل از دیرباز مورد توجه و کاوش دانشمندان مسلمان بوده است. هم زمان با نزول آیات وحی و اندکی پس از آن، این مسئله توسط ابن عباس (م - ۶۸ هـ) و ابن جبر (م - ۹۵ هـ) و وهب بن منبه (م - ۱۱۴ هـ) در شکل ابتدایی اش مطرح گردید؛ سپس توسط شافعی (م - ۲۰۴ هـ) که منکر وجود واژگان دخیل در قرآن کریم بود (شافعی، الرسالة، بی تا: ۴۱) در «الرساله» و «الأم» دنبال شد. هم زمان با شافعی، ابو عبیده معمر بن المثنی (م - ۲۰۹ هـ) و ابو عبید القاسم بن سلام (م - ۲۲۴ هـ) در کتاب «الغریب» نیز در این بحث به اظهار نظر پرداخته اند. این موضوع در قرن ششم، به صوتی فنی مورد دقت نظر ابومنصور جوالبقی (م - ۵۴۰ هـ) در «المعرب من الکلام الاعجمی» قرار گرفته است. دو قرن بعد، زرکشی، (م - ۷۹۴ هـ) در نوع هفدهم از کتاب «البرهان فی علوم القرآن» با عنوان «معرفة ما فيه من غير لغة العرب» بدون اینکه قولی را اختیار کند به بحث از این مسئله همت گمارد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱: ۳۸۲ - ۳۸۷). ابن حجر عسقلانی (م - ۸۵۲) نیز در قرن نهم کتابی با عنوان «ما وقع فی القرآن من غير لغة العرب» نگاشته است (ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴: ۱: ۱۱).

جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق) نوع سی و هشتم از کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱: ۲۸۸)؛ و وجه سیزدهم اعجاز از کتاب «معتبر الاقرآن» (سیوطی، معتبر الاقرآن فی اعجاز القرآن، ۱۴۰۷: ۱: ۱۴۷)؛ را به این مبحث اختصاص داده است.

وی دست کم دو اثر مستقل در باب واژگان «دخیل» در قرآن نگاشته است. نخستین آن‌ها «المتوکلّی فیما ورد فی القرآن باللغات، مختصر فی معرّب القرآن» و دیگری «المهذّب فیما وقع فی القرآن من المعرّب» است که بسیار مشابه اثر نخستین است؛ اما واژه‌ها در این کتاب به ترتیب الفبایی آمده و حاوی آرا و نظریات متفاوت بیشتری نسبت به المتوکلّی است.

این مسئله مورد توجه نویسندگان معاصر نیز قرار داشته است. علی فهمی خشمی کتاب «هل فی القرآن اعجمی»، خالد رشید جمیلی کتاب «اقباس الرحمن فی ادلة نفی العجمة فی القرآن» و محمد السید علی البلاسی کتاب «المعرب فی القرآن الکریم دراسة تاصیلیة دلالية» را تألیف کردند. مسئله مورد گفتگو اخیراً به همت دکتر عبد الصبور شاهین در کتاب «القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحدیث» (شاهین، القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحدیث، ۱۹۶۶ م: ۳۳۱-۳۲۱)، تحت عنوان «مشکلة الاصل الاعجمی» با شیوه فنی و محققانه‌ای بحث شده است.

#### پیشینه مطالعات مستشرقان در حوزه واژگان دخیل در قرآن

واژگان دخیل از جمله مسائل جذاب و جالب توجه برای مستشرقان بوده است. از اواخر قرن نوزدهم، شاهد مطالعات و مکتوبات استشرافی در این زمینه هستیم. خاورشناسانی همچون آرنس، فرانکل، هورویتس و مینگانا از جمله افرادی هستند که به طور ویژه به مطالعه و اظهار نظر درباره واژگان دخیل پرداخته‌اند. در میان آثار مستشرقان، تحقیقات دوراک و نیز کتاب واژگان بیگانه در قرآن - رساله دکترای زیگموند فرانکل (۱۹۰۹ م) - و کتاب مشهور آرتور جفری در این موضوع با عنوان «واژگان دخیل در قرآن» از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. مقاله آندره ریپین در دایرةالمعارف قرآن لایدن (Andrew Rippin. The Designation of "Foreign" Languages in the Exegesis of the Quran. ۲۰۰۳. pp. ۴۳۷-۴۴۴) در این موضوع نیز از جدیدترین مطالعات مستشرقان درباره واژگان دخیل در قرآن حکایت می‌کند. جالب اینکه دیدگاه‌های جفری در کتاب «واژگان دخیل در قرآن»، به طور پراکنده مورد نقد مستشرقان قرار گرفته است که در این میان، نقدهای «گتویدن گرن» دین‌شناس معروف، در قسمتی از کتاب خود «محمد رسول الله و معراج او»، قابل توجه است. با وجود حجم نسبتاً گسترده نگاشته‌ها در موضوع واژگان دخیل، هنوز آراء مستشرقان در این باره به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است.

### زیست‌نامه جفری

جفری، آرتور ( Arthur Jeffrey ۱۸۹۲- ۱۹۵۹)، مستشرق و قرآن‌پژوه استرالیایی و مسیحی است. وی کشیشی در کلیسای متدیست و دانش‌آموخته دانشگاه ملبورن است. او مدتی را در هند برای ادای خدمت سربازی گذراند و هم‌زمان به تدریس مشغول بود. وی مدتی را نیز در قاهره در سمت استادی در مدرسه مطالعات شرقی به تدریس پرداخت. جفری توانست در سال ۱۹۲۹ میلادی از دانشگاه ادینبورگ درجه دکتری را دریافت کند. در سال ۱۹۳۸ قاهره را به قصد کلمبیا ترک کرد و تا واپسین روزهای عمر، در سمت رئیس و استاد دانشکده زبان‌های خاورمیانه و خاور نزدیک در دانشگاه کلمبیا مشغول بود. آشنایی جفری با گوتلهف برگستر سر باعث علاقه مندی او به مطالعات قرآنی شد تا حدی که آنان تصمیم گرفتند، قرآنی که مشتمل بر تمام قرائت‌ها باشد را منتشر کنند ( Rezvan, "The Qur'an and its world", in Manuscripta Orientalia, ۱۹۹۸, ۴۶). آرتور جفری در ۲ اوت ۱۹۵۹ درگذشت ( Badeau, Artur Jeffery: attribute, ۱۹۶۰, ۵۰). فهرست پایانی کتاب واژگان بیگانه، نشان از آشنایی جفری با چندین زبان دارد.

مجموعه فعالیت‌های علمی جفری را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد: مطالعات قرآنی، سیره پیامبر اسلام ﷺ، رابطه اسلام و مسیحیت و برگردان برخی متون اسلامی به زبان انگلیسی. تصحیح کتاب «المصاحف» ابوبکر عبدالله بن سلیمان سجستانی (متوفی ۳۱۶) (Jeffery, Material for the history of the text of the Qur'an, ۱۹۳۷, ۱۸)؛ و نیز تحقیق مقدمه «المحرر الوجیز» از ابن عطیه و انتشار آن به همراه مقدمه تفسیری ناشناس، با عنوان مقدمتان فی علوم القرآن (جفری، مقدمتان فی علوم القرآن، ۱۹۷۲: ۴) در کارنامه علمی آرتور جفری دیده می‌شود. کتاب‌هایی همچون «محمد و دین وی» ( Isiamemubammad and His Religion, The Library of Religion, New York ۸۵۹۱)؛ که ترجمه گزیده‌هایی از قرآن و حدیث و متون گوناگون اسلامی است؛ پژوهشی پیرامون کتاب «مختصر شواذ القرائات» ابن خالویه؛ «الاختیار فی الإسلام»؛ «ابوعبیده و القرآن»؛ «الجدل الإسلامی و المسيحی»؛ «تاریخ محمد ﷺ»؛ «الأدب المناهض للنصرانیة»؛ «نصاری مکه» و «الحركات الإسلامية» از دیگر پژوهش‌ها و نگارش‌های جفری است.

### معرفی کتاب «واژگان دخیل در قرآن»

کتاب «واژگان دخیل در قرآن» با عنوان انگلیسی «The Foreign Vocabulary of Quran» در سال

۱۹۳۸ میلادی در باروده [بارودا]، شهری در گجرات واقع در ایالت بمبئی هند چاپ شده و با فاصله زیاد، ترجمه چاپ اول آن به قلم فریدون بدره‌ای در سال ۱۳۷۲، توسط انتشارات توس در ۴۳۱ صفحه چاپ شده است. ترجمه دیگری از این کتاب با عنوان «لغات دخیله قرآن» نیز توسط سعید نوری انجام شده است و انتشارات نوید نور آن را در سال ۱۳۸۵ منتشر کرده است.

نویسنده، ۳۲۳ واژه که ۴۴ مورد از آن را اسامی خاص تشکیل می‌دهد، در این کتاب جمع‌آوری کرده و کوشیده است، با روش ریشه‌شناسی واژگان و بهره‌گیری از منابع تاریخی، عرب جاهلی، اسلامی و استشراقی به بررسی آن بپردازد. جفری تلاش کرده است تا تاریخچه واژگان و صورت‌های اصلی آن‌ها را در زبان‌های آرامی، سریانی، حبشی، عبری، یونانی، لاتینی، سومری، سانسکریت، پهلوی، اکدی، اوگاریتی، اوستایی، ارمنی و... به دست آورد. این بخش از فعالیت خود را در چهارده صفحه پایانی کتاب، فهرست‌وار آورده است که متأسفانه جای این فهرست در چاپ فارسی آن خالی است.

این کتاب از واژه «آب» شروع و به واژه «یونس» ختم می‌شود و در بررسی تمامی این واژگان هر اطلاعاتی را که از مستشرقان و زبان‌شناسان در نشریات، مقالات و کتاب‌های مترجم، به نظر خود سودمند یافته، به آن‌ها اضافه کرده است. چنین به نظر می‌رسد که آرتور جفری در تصنیف کتاب خود به برخی از آثاری همچون «المعرب» جوالیقی و «الالفاظ الفارسیة المعربة» ادی شیر نظر داشته است. آنچه بر اهمیت و ارج کتاب «واژگان دخیل» می‌افزاید، تسلط او بر ضبط و آوانگاری واژگان به زبان‌های اصلی آن‌هاست. جفری مانند سیوطی رده‌بندی زبان‌های یازده‌گانه را مبنی بر وام‌گیری قرآن از آن‌ها می‌پذیرد، با این تفاوت که تقسیم‌بندی سیوطی بسیار ابتدایی و لغت‌شناسی صرف است و متکی بر استانداردهای نوین زبانشناسی نیست، علاوه بر آن سیوطی، گاهی از بحث لغوی نیز عدول کرده و به بحث و بررسی لهجه‌های واژگان قرآن کریم نیز وارد می‌شود (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱/ ۴۵۱ - ۴۷۹). جفری پیشگفتاری در ۴۰ صفحه در ابتدای کتاب خود آورده که در فهم کتاب بسیار مؤثر است.

### منابع و ارجاعات جفری

جفری در کتاب خود از منابع گوناگونی بهره‌جسته است. وی گذشته از بهره‌گیری از نگاه‌های دانشمندان صاحب‌نظر مسلمان همچون سیوطی، جوالیقی، ثعالبی، خفاجی از مقالات و مکتوبات نویسندگان غیرمسلمان نیز بهره‌برده است که از آن جمله می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: گلدزیهر

(Goldziher)، مارگلیوث (Margoliuth)، بوهل (Buhl)، هیرشفلد (Hirschfeld)، کریستین بارتولومه (Bartholome)، کارل بروکلیمان (Brockelmann)، راینهارت دوزی (R. Dozy) مؤلف هلندی کتاب دوجلدی «فرهنگ لغت تکمیلی عرب»، ریچارد بل (R. Bell)، دانشمند اسکاتلندی مترجم قرآن، زیگموند فرانکل (S. Fraenkel)، محقق آلمانی و مؤلف کتاب «واژگان بیگانه»، توری (Torrey)، مؤلف کتاب «اصطلاحات بازرگانی - کلامی قرآن» و آلفونس ژوزف مینگانا (Mingana)، نویسنده کتاب «تأثیر سریانی بر سبک قرآن».

### تعداد و انواع واژگان طرح شده در فهرست جفری

نزد قائلان به وجود الفاظ اعجمی در قرآن، این کلمات عدد مشخصی ندارند، چون از یکسو در اعجمی بودن برخی از این الفاظ اختلاف وجود دارد که از آن‌ها به «ما قیل بأعجمیتها» تعبیر می‌شود و از سوی دیگر، میزان تتبع و استقراء افراد یکسان نبوده است. بعضی همچون سیوطی سال‌ها در این زمینه به تتبع و تفحص پیرامون این کلمات پرداخته‌اند. سیوطی در الاتقان ۱۱۸ واژه و در المهدب ۱۲۴ واژه آورده است، درحالی‌که برخی تنها به نقل الفاظ معدودی بسنده کرده‌اند.

از ۳۲۰ عنوانی که آرتور جفری آن‌ها را واژگان دخیل معرفی کرده است، واژه‌هایی همچون «اسلم» و «سلام» و «مسجد» و «سجد» هم‌ریشه‌اند و مواردی همچون هاروت و ماروت، یأجوج و مأجوج عناوینی دویخشی هستند و ریشه بیست واژه را همچون صوامع، سلسله، ماعون و... را نیز نیافته است. علاوه بر اینکه حدود ۷۰ مورد اسامی خاصی از انسان‌ها، نباتات، جمادات، قبایل و کتب آسمانی است که بنا به مبنای مشهور جزء واژگان دخیل شمرده نمی‌شوند؛ بنا بر آنچه گفته شد، از مجموعه ۳۲۰ واژه مذکور در فهرست جفری، تنها ۲۰۰ واژه باقی می‌ماند.

جفری معتقد است: اغلب واژه‌های دخیل از زبان سریانی، آرامی و فارسی وام گرفته شده‌اند. بسامد واژگان از زبان‌های مختلف به ترتیب زیر است: حبشی، ۱۹۰ واژه؛ آرامی: ۵۵ واژه؛ سریانی: ۴۵ واژه؛ فارسی: ۳۹ واژه؛ سامی: ۲۱ واژه؛ یونانی: ۱۷ واژه؛ عبری: ۱۴ واژه؛ عربستان جنوبی: ۸ واژه؛ سومری: ۵ واژه؛ لاتین: ۵ واژه و چند مورد معدود از دیگر زبان‌ها.

در موارد متعددی به نقد اطلاعات ارائه شده در مکتوبات گذشتگان از جمله سیوطی را می‌توان در اظهارنظرهای جفری مشاهده کرد. وی پس از نقد دیدگاه سیوطی در مورد واژه‌هایی که سیوطی آن‌ها را ترکی و هندی و بربری و زنگی دانسته است، می‌نویسد: «ما نمی‌توانیم به کار محققان مسلمان که به بررسی این موضوع دشوار و مهم پرداخته‌اند، زیاد هم ارج بگذاریم، آنان در بررسی مشکل واژه‌های





دخیل در قرآن چندان توفیقی نداشته‌اند؛ زیرا منابع زبان‌شناسی بسیار فقیری در اختیار داشته‌اند. آنچه مایه تعجب است این است که سیوطی توانسته است از منابع قدیم‌تر این همه واژه گردآورد که امروز عربی بودنشان برای ما بدیهی است، ولی دانشمندان و ارباب لغت قدیم آن‌ها را واژه‌های بیگانه و دخیل می‌دانسته‌اند (ص ۸۶ تا ۸۷، مثال‌ها را در صفحه‌های ۸۸ تا ۹۲ پیشگفتار جفری بخوانید).

### دیدگاه‌ها پیرامون وجود واژگان دخیل در قرآن

وجود واژگان دخیل در قرآن مسئله‌ای است که به‌طور گسترده مورد کاوش دانشمندان قرار گرفته و دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون آن ارائه شده است.

الف: گروهی مانند شافعی (شافعی، الرسالة، بی تا: ۴۱)؛ همچنین لغت‌شناس معروف ابو عبیده معمر بن مثنی (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱: ۲۸۹)؛ مفسر، فقیه و مورخ بزرگ طبری، (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۵: ۲۱/۱ - ۲۲)؛ لغت‌شناس نامی احمد بن فارس (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱/۱: ۲۸۹)؛ فقیه اشعری باقلانی، (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱/۱: ۳۸۳)؛ متکلم و مفسر اشعری فخر رازی (ر.ک: قلعه‌جی، لغة القرآن لغة العرب المختارة، ۱۴۰۸: ۱۷)؛ و از معاصران احمد شاکر، عبدالوهاب عزام، عبدالعال سالم مکرم (سالم مکرم، اللغة العربية فی رحاب القرآن الکریم، ۱۴۱۵: ۱۱۶؛ سالم مکرم، قضايا قرآنية فی ضوء الدراسات اللغوية، ۱۴۰۸: ۵۲ - ۵۴) و ... از مخالفان وجود چنین واژه‌هایی در قرآن هستند. آنان وجود واژگان غیرعربی در قرآن را مخالف با عربی بودن قرآن انگاشته (ر.ک: جوالیقی، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، ۱۴۱۹: ۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱/۱: ۳۸۳)؛ و نیز ناسازگار با تحدی این کتاب آسمانی دانسته‌اند (ر.ک: ابن فارس، الصحابی فی فقه اللغة، بی تا: ۲۸ - ۳۰؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱/۱: ۳۸۷). این گروه معتقدند: واژگانی که برخی آن‌ها را دخیل پنداشته‌اند، اصالتاً عربی هستند و به دلیل گستردگی لغات عربی (سالم مکرم، اللغة العربية فی رحاب القرآن الکریم، ۱۴۱۵: ۱۱۵ - ۱۱۶)، از عربی بودن آن‌ها اطلاع حاصل نکرده‌اند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۹۵۷: ۱/۱: ۳۸۷؛ شافعی، الرسالة، بی تا: ۴۱). از طرفی وجود آن الفاظ در زبان‌های دیگر نیز به دلیل توارد و اتفاق لغات در دو زبان بوده است (شافعی، الرسالة، بی تا: ۴۱)؛ و به تفصیل بیشتر در شافعی، الام، بی تا: ۱/۱: ۹؛ ر.ک: طبری، جامع البیان، ۱۴۱۵: ۱/۱: ۲۰ - ۲۴؛ ابن قتیبه، غریب الحدیث، ۱۴۰۸: ۲/۱: ۸۹؛ ابن جوزی، زادالمسیر، ۱۴۲۲: ۶/۱: ۳۴۵).



ب: در مقابل گروه نخست، کسانی همچون سیوطی، (سیوطی، الانتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱/۲۸۸)؛ راغب اصفهانی (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۷/۴۰۶ و ۴۳۴)؛ زمخشری (زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱/۳۳۵ و ۳۶۳)؛ جوالیقی، جوینی، ابن نقیب (قلعه جی، لغة القرآن لغة العرب المختارة، ۱۴۰۸: ۱۶)؛ معتقد به وجود واژه‌های دخیل در قرآن هستند. آنان نیز به روایات دال بر وجود الفاطی از تمام زبان‌ها در قرآن (ر.ک: طبری، جامع البیان، ۱۴۱۵: ۱/۲۰ - ۲۴؛ سیوطی، معترك الاقران فی اعجازالقرآن، ۱۹۶۷: ۱/۲۸۹)؛ و نیز وجود تمام علوم در قرآن (سیوطی، معترك الاقران فی اعجازالقرآن، ۱۹۶۷: ۱/۱۲۶) استناد کرده و فاقد وزن بودن برخی الفاظ قرآنی را دلیلی بر ورود آن‌ها از خارج از عربی می‌دانند (زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱/۳۳۵ و ۳۶۳). تعامل اعراب با غیر عرب‌ها قبل از اسلام، شاهی دیگری بر این دیدگاه شمرده شده است (عبدالنواب، اللغات السامية، ۱۹۷۳: ۱۲).

### جمع بین دو دیدگاه

می‌توان دو دیدگاه گذشته را قابل جمع دانست. واژگان دخیل بر اساس ریشه و اصل، بیگانه به حساب می‌آیند و ورود این الفاظ به زبان عربی، سال‌ها قبل از نزول قرآن بوده و اساساً پدیده‌ای مربوط به زبان است و ربطی به نزول قرآن ندارد. این واژگان هنگامی که به عرب‌ها رسیده است، با حذف یا تغییر حروف و یا تخفیف آنچه سنگین و دشوار بود، آن‌ها را تغییر داده و به صورت واژه‌های عربی درآوردند. سپس این واژه‌ها را در اشعار و محاوراتشان به کار بردند. در نتیجه، به صورت واژه‌های عربی درآمدند و در زمان نزول قرآن در قرآن به کار رفتند. این دیدگاه، دیدگاهی واقع‌گرا و صحیح است و اندیشمندانی مانند ابن عطیه (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ۱۴۱۱: ۱/۵۱)؛ ابن جوزی (ابن جوزی، زادالمسیر، ۱۴۰۸: ۳۴۳)؛ سیوطی (سیوطی، الانتقان فی علوم القرآن، ۱۹۶۷: ۱/۲۸۹)؛ ثعالبی (ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۱۴۹)؛ و جمعی دیگر (ر.ک: سیوطی، معترك الاقران فی اعجازالقرآن، ۱۴۰۷: ۱/۱۵۰)؛ قلعه جی، لغة القرآن لغة العرب المختارة، ۱۴۰۸: ۱۸۷) آن را پذیرفته‌اند.

### نقد روش آرتور جفری در کتاب واژگان دخیل

گذشته از مزایا و محسنات غیرقابل انکاری که باعث شده کتاب آرتور جفری به عنوان اثری علمی تلقی شود، نمی‌توان چشم را بر برخی نواقص و نقایص این اثر پوشاند. مجموعه این اشکالات را می



توان ناشی از بیگانگی وی با مفاهیم قرآنی و نیز تعصب‌های تبشیری و به دنبال آن، دور شدن از مدار تحقیق و بی‌طرفی است. موارد زیر از جمله مهم‌تری انتقادات وارد بر کتاب واژگان بیگانه در قرآن است.

### الف: ناکافی بودن تتبع

#### اول: استقرای ناقص در پیدا کردن واژگان دخیل

جفری از برخی واژه‌هایی که دیگر صاحب‌نظران با ارائه مستند، دخیل دانسته‌اند، یاد نکرده است، از جمله این واژه‌ها می‌توان خرطوم (قلم/۱۶)؛ سلسبیل (انسان/۱۸)؛ اسفار (جمعه/۵)؛ کوکب (نور/۳۵)؛ انعام/۷۶؛ یوسف/۴)؛ حسیر (ملک/۴)؛ و زمهریر (انسان/۱۳)؛ را برشمرد. اثبات دخیل بودن هر یک از این واژه‌ها در مجال این مقاله نیست و فقط به یک نمونه اشاره می‌شود. ادی شیر «زمهریر» را به معنای شدة البرد [شدت سرما، سرمای سوزان] و ترکیبی از «زم» یعنی سرما و «هریر» یعنی موجب و علت، دانسته و به کاربرهای فارسی این ترکیب نیز اشاره کرده است (ادی شیر، واژه‌های فارسی عربی شده، ۱۳۹۵ ش. / ۷۹). امام شوشتری نیز کاربرد لغت «زم» به معنی سرما را در ترکیبات فارسی مورد تأیید قرار می‌دهد و نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کند (امام شوشتری، فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی، ۱۳۴۷ ش: ۳۲۰).

#### دوم: استقرای ناقص در پیدا کردن معنای واژه

استقصای ناکافی در تتبع و کم‌توجهی به متن تفاسیر و دیگر منابع فهم معنای واژگان قرآنی، در کتاب واژگان دخیل مشهود است. علاوه بر اینکه منابع تفسیری مورد مراجعه جفری را بیشتر، تفاسیر اهل سنت تشکیل می‌دهند و از بهره‌گیری از تفاسیر شیعه در کل کتاب به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد.

#### ب: تقسیم‌بندی غیردقیق

گونه‌شناسی و چارت‌بندی موضوعات و مسائل علمی از بایسته‌هایی است که نقش بسزایی در فهم و تحلیل علمی دارد. جفری واژه‌های دخیل قرآن را در سه گروه دسته‌بندی کرده است. نخست: واژه‌هایی که به هیچ‌وجه عربی نیستند؛ دوم: واژه‌های سامی که ریشه سه‌حرفی آن‌ها نیز ممکن است، در زبان عربی کاربرد داشته باشد؛ اما در قرآن در معنای ریشه عربی آن به کار نرفته است؛ سوم: واژه‌های عربی اصیلی که معنایشان متأثر از کاربرد این واژه‌ها در زبان‌های دیگر است؛ چون واژه نور که



هنگامی که به معنای دین به کار می‌رود (توبه ۳۲/)، نظیر کاربرد واژه سریانی همزاد با آن است (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۲۷).

پرواضح است که در مورد سوم، تعبیر «دخیل» یا «بیگانه» نوعی تسامح است. شاید به همین دلیل بوده که خود جفری واژه‌های نور و روح را در اصل کتاب، در شمار واژگان دخیل نیاورده است.

### ج: بی‌توجهی به تطورات معنایی لغات

از جمله مسائل مهم در معناشناسی واژگان قرآنی، همواره باید مورد توجه قرار گیرد، تطورات معنایی لغات است (شجاعی، تأثیر شناخت تحولات تاریخی زبان عربی بر گستره پژوهش‌های ریشه‌شناسی واژگان قرآن، ۱۳۹۶: ۲۰)؛ که در بسیاری از موارد، مورد غفلت جفری قرار گرفته است. این تطورات در حقایق شرعی و قرآنی مشهودتر است. این‌ها همان نام‌های مشتق از واژه‌های عربی هستند که قرآن کریم آن‌ها را در معانی جدیدی به کار برده است که برای عرب‌ها قبلاً شناخته شده نبودند. به‌عنوان مثال، عرب‌زبان‌ها کافر را به معنای کشاورز (راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۷ ق: ۴۳۳؛ جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة ۱۴۰۴ ق: ۸۰۷/۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق. ج ۵/۱۴۴)؛ و یا ناسپاس می‌شناختند، ولی قرآن آن را در معنای کفر به خدا به کار برد؛ و یا مؤمن را از جهت امان می‌شناختند و قرآن آن را در معنای خاص دیگری به کار برد (ابوحاتم رازی، الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، ۱۹۵۷: ۱۴۶). این دسته از جمله واژگانی هستند که جفری در اصالت آن‌ها یا ریشه عربی آن‌ها تردید نداشته است؛ اما او با بی‌توجهی به این اصل مهم، جایگاهی برای تحوّل معنایی واژگان قائل نشده است. نمونه روشن این خطای روشی را در اظهار نظر جفری درباره واژه «اسلم» می‌توان مشاهده کرد (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۱۲۰).

### د: داوری‌های غیر عالمانه و حدسی

در واژه‌شناسی و ریشه‌شناسی واژه‌ها باید به ضوابط علمی پایبند بود و از حدسیات دوری جست. رعایت نکردن ضوابط علمی و اظهار نظر بر اساس حدس را می‌توان در ادعاهای رابطه «عتیق» و «آنتیک» [antiquus] (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۳۱۴) و نیز فیل اصحاب الفیل را با «افئیل» (همان: ۳۴۰) و یا آرامی دانستن واژه «مثنانی» (همان: ۳۸۵) و یونانی شمردن واژه «قریش» (همان: ۳۴۹) مشاهده کرد.

جفری در این موارد با ارائه شواهدی ضعیف و حتی در مواردی بدون دلیل و شاهد به طرح ادعای

دخیل بودن واژگان پرداخته است که اثبات خطای تک تک این موارد مقالی دیگر می طلبد.

### ه: غرض ورزی در جستجوی ریشه های یهودی یا مسیحی واژگان

مسئله ای که مطالعات برخی از مستشرقان به طور چشمگیری مشاهده می شود، غرض ورزی و کوشش برای اثبات تأثیر پذیری قرآن از منابع یهودی و مسیحی [از جمله عهدین] بر مبنای وجود واژگانی از زبان های عبری و سریانی در قرآن است. مؤلف کتاب «واژگان بیگانه در قرآن» نیز همواره در جستجوی ریشه های یهودی یا مسیحی واژگان است و متوجه اصل تاریخی (و نه دینی) آن ها نیست. این ها همه به دلیل این پیش فرض است که پیامبر قرآن را از عالمان یهودی و مسیحی آموخته و خود بر آن مطالبی افزوده است. جفری در مقدمه کتاب تصریح می کند: «مشخص است محمد ﷺ زندگی خود را وقف آموختن کرد و هر چه می توانست از مسیحیان و یهودیان آموخت. هر چند خود، بعداً در این زمینه صاحب سبک شد.» (جفری، واژه های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۶۶).

از این رو بارها پس از رسیدن به منبع آرامی - یهودی یا سریانی - مسیحی واژه، از پیگیری اصل واژه صرف نظر کرده است. برای نمونه در مورد واژه «فرعون» که مسلماً قبلی است و از «فره عو» به معنی دارنده کاخ بزرگ، تنها به اصل سریانی آن اشاره شده است. این گونه پیگیری واژگان دخیل (برای نمونه به واژه های ذیل در این کتاب مراجعه نمایید: «تاب»، ص ۱۵۱، «تفسیر»، ص ۱۵۷، «جبرئیل»، ص ۱۶۶، «جنه»، ص ۱۷۰، «صوم»، ص ۲۹۸، «قدس»، ص ۳۳۸، «یقین»، ص ۴۱۸) این حدس را تقویت می کند که مؤلف در صدد تقویت فرضیه اقتباس قرآن از منابع یهودی و مسیحی است. البته مطالب مقدمه کتاب جفری این حدس را تا حدی اثبات می کند؛ آنجا که مدعی مراجعه پیامبر به دانشمندان و کتاب های اهل کتاب شده است (جفری، واژه های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۴۰ - ۵۱).

حال آنکه همانندی عقاید، آداب، شعائر دینی و داستان های انبیای الهی در کتاب های آسمانی و ادیان الهی، ناشی از وحدت منبع و سرچشمه و حیانی آنهاست، نه اخذ و اقتباس و تأثیر و تأثر یکی از دیگری، آن گونه که آرتور جفری و دیگر خاورشناسان اظهار کرده و بر آن اصرار می ورزند.

### و: ادعای نداشتن مصداق خارجی برخی از واژگان قرآنی

جفری در مواضع متعدد، واژه هایی چون طالوت (بقره/۲۴۷ و ۲۴۹) و قارون (قصص/۷۶ و ۷۹؛ عنکبوت/۳۹؛ غافر/۲۴) را بر ساخته قرآن و فاقد مصداق خارجی می شمرد. این در حالی است که



واقع‌نمایی قرآن در جای خود اثبات شده (ساجدی، زبان دین و قرآن، ۱۳۸۵ ش: ۱۲۹ و ۲۱۷ و ۲۳۹ و ۲۸۷؛ سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، ۱۳۸۳ ش: ۲۹۳) و نمی‌توان به دلیل عدم دست‌یابی به شواهد تاریخی، وجود افرادی همچون طالوت و قارون را انکار کرد.

### ز: آشفته دانستن روایت قرآن

مؤلف در موارد متعددی مدعی آشفته‌گی روایت قرآن شده است. به‌عنوان نمونه درباره نام «آذر» (انعام/۷۴) ادعا می‌کند که قرآن نام خدمتگزار پدر ابراهیم علیه السلام که «العاذر» نام داشت را با تاریخ که نام پدر حضرت ابراهیم بوده، اشتباه و خلط کرده است. او درهم آمیختن این دو نام را مسلم دانسته است! (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۱۱۲).

او در جای دیگر داستان جالوت (بقره/۲۴۹-۲۵۱) را روایتی آشفته از داستانی می‌داند که در عهد عتیق آمده است (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۱۶۴). عجیب اینکه وی حتی صورت قرآنی نام جالوت را اشتباه‌راوی داستان دانسته است. مورد دیگر از این اظهارنظرها را می‌توان در داستان مریم خواهر حضرت موسی علیه السلام (قصص/۱۱)، با مریم مادر حضرت عیسی علیه السلام (نساء/۱۷۱) و... مشاهده کرد که در چند جای کتاب از اختلاط دو داستان سخن گفته است (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۳۱۸، ذیل واژه عمران، ص ۳۷۸ ذیل واژه مریم، ص ۴۰۹ ذیل واژه هارون).

نمونه دیگر، در داستان یونس علیه السلام است که ذیل واژه یقطین (صافات/۱۴۶) می‌نویسد: «این واژه ظاهراً هنگام بازخوانی شفاهی آن داستان شنیده شده است و سپس از حافظه به این صورت درهم‌ریخته بازآفرینی شده است.» (همان: ۴۱۸). واژه‌های «جودی» در (هود/۴۴) (همان: ۱۷۵) و کلمه «سوره» (محمد/۲۰؛ توبه/۱۲۷ و ..) (همان: ۲۷۳) از دیگر واژگانی هستند که جفری درباره آن‌ها مرتکب این داوری اشتباه شده است. این در حالی است که عصمت و عدم تحریف قرآن کریم از هرگونه خطای لفظی و محتوایی با براهین عقلی و نقلی به اثبات رسیده است (ر.ک: خونی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ ق: ۲۰۰؛ معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۱۴۱۳ ق: ۵۹-۷۷؛ حسینی میلانی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، ۱۴۱۷ ق: ۱۵-۳۴).

### ح: ادعای بدخوانی و غلط خواندن واژه‌ها توسط قرآن

آرتور جفری در مواردی مدعی بدخوانی و غلط خواندن واژه‌ها توسط قرآن شده است. برای نمونه،



وی اسامی ای چون ابراهیم، ادیس، یحیی، عیسی و موسی را تحریف شده می‌داند و مواردی نظیر یحیی را ناشی از غلط خوانی واژه‌ای دیگر می‌شمارد و جالب اینکه آن را نظریه ظریفانه تلقی کرده است!

طبیعی است که اسامی خاص هنگام ورود از زبانی به زبان دیگر ممکن است بر اساس قواعد تعریب تغییراتی را بپذیرند (ابن جنّی، الخصائص، ۱۹۵۷ م: ۱/۳۵۷؛ جوالیقی، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، ۱۴۱۹ ق: ۱/۹؛ خفاجی، شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل، ۱۳۲۵ ق: ۱/۳؛ شوقی امین، جواز التعریب علی غیر أوزان العرب، ۱۹۵۹ م: ۱/۲۰۳ - ۲۰۶؛ سیبویه، کتاب سیبویه، ۱۴۱۱ ق: ۳/۲۳۴). برخی دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند تا قواعدی که بر اساس آن‌ها، تغییراتی در واژگان دخیل ایجاد می‌شود را تدوین کنند (سیبویه، کتاب سیبویه، ۱۴۱۱ ق: ۴/۳۰۴؛ جوالیقی، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، ۱۴۱۹ ق: ۱/۶؛ ثعالبی، فقه اللغة و سرّ العربیه، ۱۴۰۹ ق: ۱/۳۲۵ - ۳۲۷).

اگر جفری به این منابع مراجعه داشت و یا با دقت بیشتری از آن‌ها استفاده می‌کرد، تغییر شکل ظاهری واژه را به معنای تحریف یا بدخوانی واژه نمی‌انگاشت.

#### و: ادعای تقلید یا تأثیرپذیری قرآن از متون پیشین

دگراندیشان و مستشرقان همواره به دنبال منبعی غیر وحیانی برای قرآن کریم بوده‌اند (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴ ش: ۲۹۶؛ گلدزیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ۱۹۹۲ م: ۶). همان‌گونه که اشاره شد، از جمله اهداف برخی مستشرقان از پرداختن به واژگان دخیل در قرآن، اثبات فرضیه تأثیرپذیری قرآن از منابع غیر وحیانی است. این مسئله به‌روشنی در عبارات جفری نمود دارد. او در مواضع متعددی با تعابیر «تقلید» یا «تأثیر از ادیان پیشین» این مسئله را به خواننده القا می‌کند. به‌عنوان نمونه، او با شاهد گرفتن دیدگاه برخی دانشمندان غربی بر این باور است که مفهوم حوریان بهشتی (الرحمن/۷۲؛ دخان/۵۴؛ واقعه/۲۲)، از منبعی خارجی [ایرانی] وام گرفته شده است (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۱۹۰). وی در ذیل واژه «خلاق» (بقره/۱۰۲ و ۲۰۰؛ آل عمران/۷۷) نقل کرده است که هفتاد و هفتمین آیه از سوره آل عمران، در واقع نقل قولی از تلمود است (همان: ۱۹۳)؛ و یا درجایی دیگر بر این باور است که پیامبر اکرم ﷺ تحت تأثیر کاربرد سریانی واژه ربّ آن را در این مفهوم به‌کاربرده است (همان: ۲۱۵).

آنچه در بررسی این گونه از واژگان مورد غفلت قرار گرفته این است که بسیاری از زبان‌های

غیرعربی، بین اعراب صدر اسلام و دوره‌های پس از آن، شناخته شده بودند و مسلمانان با آن‌ها آشنایی داشتند (۱۹۸۳، Ramzi Baalbaki، pp. ۱۱۷-۱۲۷). بسیاری از واژگان آن زبان‌ها، پیش از اسلام وارد زبان عربی شده و کاربرد گسترده‌ای یافته بود (امام شوشتری، فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی، ۱۳۴۷ ش: ۷۸۳)؛ در حالی که تعابیر مؤلف، این توهم را بیان می‌کند که قرآن کریم این الفاظ را مستقیماً و برای اولین بار از آن زبان‌ها وام گرفته و به کار برده است.

### ز: دخالت دادن پیش‌زمینه‌های فکری خطا

زمینه‌های ذهنی و پیش‌فرض‌ها، می‌تواند تصویری خاص را از یک واژه پدید آورد و اگرچه این تأثیر پذیری، در برخی موارد امری اجتناب‌ناپذیر است (مجتهد شبستری، هرمنوتیک کتاب و سنت، ۱۳۷۸ ش: ۲۲)؛ ولی باید کوشید تا آن را اصلاح و کنترل کرد (مصباح یزدی، تعدد قرائت‌ها، ۱۳۸۲ ش: ۲۵). جفری در کتاب مورد بحث، در مواردی متأثر از پیش‌فرض‌های نادرست خود شده است. بشری دانستن متن قرآن، عدم عصمت وحی و بازتاب یافتن فرهنگ و سنن زمانه در قرآن از جمله پیش‌فرض‌هایی است که بر مطالعات جفری اثر مستقیم داشته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به اظهار نظر وی درباره واژه جهنم اشاره کرد. او معتقد است، این واژه در شعر کهن عربی به کار نرفته است و این احتمال وجود دارد که حضرت محمد ﷺ آن را شخصاً از راه تماس مستقیم یا غیر مستقیم با حبشیان گرفته باشد (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۱۷۴).

از جمله دیگر پیش‌فرض‌هایی که در آثار قرآنی دیگر مستشرقان نیز به‌روشنی قابل مشاهده است، ورود خطای محتوایی و لفظی در قرآن است (Paul Kunitzsch, Planets and stars, V: ۴, PP. ۱۰۶ - ۱۰۹)؛ جفری نیز ورود خطاهای نوشتاری و گفتاری در قرآن را ممکن دانسته و بر این اساس ذیل واژه «توبه» (نساء/۹۲؛ تحریم/۸) می‌نویسد: شکل واژه عزیز ممکن است، ناشی از دریافت نادرست آن باشد یا عمداً و به جهت تحقیر، صورت مصغر آن به کار برده شده است (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۳۱۵ - ۳۱۶).

### ح: نسبت‌های نادرست به مفسران

اخلاق حرفه‌ای، نویسنده را ملزم می‌کند، تنها دیدگاهی را به کسی نسبت دهد که از انتساب آن اطمینان حاصل کرده باشد. مواردی در مدعیات جفری وجود دارد که این مسئله در آن‌ها رعایت نشده است. جفری درباره واژه میکال (بقره/۹۸) این‌گونه می‌نویسد: «از او به‌عنوان یک فرشته، همراه با



جبرئیل، در یکی از آیات قرآن نام برده شده است. مفسران مدعی هستند که این دو، در مقابل یکدیگرند، جبرئیل مخالف یهود و میکائیل حامی و پشتیبان آن‌هاست. (جفری، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ۱۳۷۲ ش: ۳۹۴). تتبع در تفاسیر اسلامی نشان می‌دهد که هیچ مفسری درباره این دو فرشته این‌گونه دیدگاهی ارائه نداده است (ر.ک: میدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار: ۱/۲۹۰؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۳۹۴/۴؛ کاشانی، زبدة التفاسیر، ۱۴۲۳ ق: ۴۶۴/۶). روایات اسلامی نیز میکائیل را فرشته‌ای منتخب (شیخ صدوق، خصال: ۱/۲۲۵)؛ و مقرب (نسفی، بیان التنزیل، ۱۳۷۹ ش: ۱۸۴)؛ و بلند مرتبه (امام زین العابدین، صحیفه سجاده، ۱۳۸۷ ش: ۲۰) معرفی می‌کنند. به نظر می‌رسد ادعای جفری، برخاسته از پیش فرض‌های اسرائیلی و یهودی است که معتقد به دشمنی متقابل جبرئیل با یهودیان است (واحدی، اسباب نزول القرآن، ۱۴۱۱ ق: ۲۶؛ سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، ۱۴۲۲ ق: ۱۸؛ صبری، التلمود شریعه بنی اسرائیل حقایق و وقایع، ۲۰۱۱ م: ۲۰؛ ثانی، التلمود و موقفه من الالهیات، ۱۴۳۳ ق: ۲/۸۸۷)؛ و قرآن (بقره/۹۷) نیز اشاراتی به این دشمنی دارد (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ش: ۲۲۹/۱؛ مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ۱۴۲۲: ۳۰۹/۱).

## نتیجه

با شکل گرفتن دانش‌هایی همچون زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان و مطالعات گسترده‌ای که درباره چگونگی برخورد زبان‌ها و اصول تداخل‌های آوایی، دستوری، صرفی، واژگانی و معنایی زبان‌ها در یکدیگر انجام شده، امکان قضاوت دقیق‌تری درباره واژگان دخیل حاصل شده است. تعامل زبان‌ها در بده‌بستان واژگان و دیگر عناصر زبان امروزه امری بدیهی است که زبان عربی نیز از آن مستثنا نبوده است. هر جا دادوستد فرهنگی باشد، داد و گرفت زبانی و واژگانی نیز رخ می‌دهد.

تأثیرپذیری زبان عرب از سایر زبان‌ها، پدیده‌ای غیرقابل چشم‌پوشی است؛ زیرا می‌دانیم، لهجه‌های آرامی گوناگون در سرزمین فلسطین و سوریه و بین‌النهرین و عراق رواج داشته است. همچنین می‌دانیم که مجاورت عرب با یهودیانی که زبان دینی آن‌ها، آرامی بود، باعث انتشار بسیاری از الفاظ دینی - آرامی شد. به این نکته، مستشرقانی همچون کرنکو (Krenkow)، Encyclopedie de l'Islam (art.kitad)، به این نکته، به هنگام بحث از لفظ «کتاب» در دائرة المعارف اسلامی اشاره کرده‌اند.

روشن است که تأثیرپذیری زبان عربی از سایر زبان‌ها و حتی از برخی ادیان را نباید به معنای



تأثیرپذیری قرآن کریم از آن زبان‌ها و ادیان دانست؛ زیرا واژگان دخیل پیش از اینکه در قرآن کریم به کار بروند، وارد زبان عربی شده و غالباً کاربرد و جایگاه خاص خود را یافته بودند. مجموعه نقدهایی که به کتاب جفری وارد است را می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد: نخست، بیگانگی وی با مفاهیم قرآنی؛ دوم، دخالت تعصب‌های مذهبی و دور شدن از مدار تحقیق و بی‌طرفی و گاه افتادن به ورطه ابراز نظریات جاهلانه و غیرمنصفانه است. آنچه زندگی و فعالیت‌های علمی جفری برای ما نمایان می‌سازد، روحیه تبشیری اوست. در این کتاب و دیگر تألیفاتش می‌توان این روحیه را به‌وضوح مشاهده کرد. روحیه‌ای که مطالعات او را به نحو گسترده‌ای تحت تأثیر قرار داده است.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، نشر دارالذکر، قم: ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن جتیی، الخصائص، چاپ محمدعلی نجار، بیروت: ۱۹۵۷ م.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن محمد، فنون الافنان فی عیون علوم القرآن، تحقیق حسن ضیاءالدین عتر، دارالبشائر الاسلامیة، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۴. — زادالمسیر، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن فارس، احمد، الصحاحی فی فقه اللغة، تحقیق سیداحمد صقر، طبع عیسی البابی الحلبي، قاهره: بی تا.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، تحقیق عبدالله جبوری، دارالکتب العلمیة، قم: ۱۴۰۸ ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن عطیة اندلسی، ابومحمد، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، [بی جا]، ۱۴۱۱ ق.
۱۰. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، الرّیة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، دار الکتاب العربی، قاهره: ۱۹۵۷ م.
۱۱. ادی شیر، واژه های فارسی عربی شده، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. امام شوشتری، محمدعلی، فرهنگ واژه های فارسی در عربی، سلسله انتشارات انجمن آثار علمی، ۱۳۴۷ ش.
۱۳. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. ثانی، محمد ابوبکر، التلمود و موقفه من الالهیات، المدینة المنوره: ۱۴۳۳.
۱۵. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۶. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، فقه اللغة و سرّ العربیة، چاپ سلیمان سلیم بواب، دمشق: ۱۴۰۹ ق.
۱۷. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، چاپ عبدالله اسماعیل صاوی، مکتبة الخانجی،



- قاهره: ۱۹۷۲ م.
۱۸. —، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران: ۱۳۷۲ ش.
۱۹. جوالیقی، ابومنصور، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، تحقیق: خلیل عمران منصور، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۹ ق.
۲۰. جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، دارالعلم، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. حسینی میلانی، علی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، قم: ۱۴۱۷ ق.
۲۲. خفاجی، احمد بن محمد، شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل، چاپ محمد بدرالدین نعلانی، قاهره: ۱۳۲۵ ق.
۲۳. خونی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، نشر احیاء آثار امام خویی، قم: ۱۴۱۸ ق.
۲۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، طبعه النور، قم: ۱۴۲۷ ق.
۲۵. زركشي، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الحلبي، قاهره: ۱۹۵۷ م.
۲۶. زمخشری، محمود، الکشاف، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۲۷. ساجدی، ابوالفضل، زبان دین و قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۸۵ ش.
۲۸. سالم مکرم، عبدالعال، قضایا قرآنیة فی ضوء الدراسات اللغویة، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۲۹. —، اللغة العربیة فی رحاب القرآن الکریم، عالم الکتب، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۳۰. سعیدی روشن، محمداقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم: ۱۳۸۳ ش.
۳۱. سیبویه، عمرو بن عثمان، کتاب سیبویه، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره: ۱۴۱۱ ق.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، المتوکلی، تحقیق عبدالکریم زبیدی، دارالبلاغه، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۳۳. —، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، تحقیق محمد عبدالرحیم، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۵ ق.



۳۴. — الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار التراث، قاهره: ۱۹۶۷ م.
۳۵. — المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب، تحقیق عبداللہ الجبوری، المورد، سال اول، ۱۹۷۱ م.
۳۶. — معترك الاقران فی اعجازالقرآن، تحقیق احمد شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۳۷. — لباب النقول فی اسباب النزول، موسسه الکتب الثقافیه، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
۳۸. شافعی، محمد بن ادريس، الام، دارالمعرفة، بیروت: بی تا.
۳۹. — الرسالة، تحقیق احمد محمد شاکر، المكتبة العلمیه، بیروت: بی تا.
۴۰. شاهین، عبد الصبور، القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحديث، دار القلم، بی جا: ۱۹۶۶ م.
۴۱. شجاعی، حسین و ثقفیان، علی، «تأثیر شناخت تحولات تاریخی زبان عربی بر گستره پژوهش های ریشه شناسی واژگان قرآن»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۱، ۱۳۹۶ ش.
۴۲. شوقی امین، محمد، جواز التعریب علی غیر أوزان العرب، مجله مجمع اللغة العربیه، ۱۹۵۹ م.
۴۳. صبری، محمد، التلمود شریعه بنی اسرائیل حقایق و وقایع، مکتبه مدبولی، القاهره: ۲۰۱۱ م.
۴۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه اعلمی، بیروت: چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۶. عبد التواب، رمضان، اللغات السامیه، مکتبه دارالتراث، القاهره: ۱۹۷۳ م.
۴۷. علی بن حسین، زین العابدین، صحیفه سجادیه، انتشارات آستان قدس، مشهد: ۱۳۸۷ ش.
۴۸. قرطبی، محمد ابن احمد، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۴۹. قلعه جی، محمد رواس، لغه القرآن لغه العرب المختارة، دارالنفائس، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۵۰. گلدزیهر، ایگناتس، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ترجمة محمد یوسف موسی و دیگران، دار الرائد العربی، بیروت: ۱۹۹۲ م.



۵۱. مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک کتاب و سنت، طرح نو، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، دارالکتب الاسلامیة، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، تعدد قرائت‌ها، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: ۱۳۸۲ ش.
۵۴. معرفت، محمدهادی، التفسیر الاثری الجامع، نشر ذوی القربی، قم: ۱۳۸۷ ش.
۵۵. —، صیانة القرآن من التحریف، موسسه فرهنگی التمهید، قم: ۱۴۱۳ ق.
۵۶. مغربی، عبدالقادر، کتاب الاشتقاق و التعریر، مصر: ۱۹۰۸ م.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم: ۱۴۲۲ ق.
۵۸. میبیدی، رشید الدین، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۵۹. ناتل خانلری، پرویز، زبان شناسی و زبان فارسی، بنیاد فرهنگ، تهران: چ دوم، ۱۳۴۷ ق.
۶۰. نسفی، عزیز الدین، بیان التنزیل، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۶۱. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، دارالکتب الاسلامیة، بیروت: ۱۴۱۱ ق.



## ReSources

۱. The Holy Quran, Translated by Nasser Makarem Shirazi, published by Dar al-Zikr, Qom: ۲۰۰۶.
۲. Abd al-Tawwab, Ramadan, Semitic Languages, Maktabah Dar al-Turath, Cairo: ۱۹۷۳.
۳. Abu Hatam al-Razi, Ahmad bin Hamdan, The Adornment in the Arabic Islamic Words, Dar al-Kitab al-Arabi, Cairo: ۱۹۵۷.
۴. Ali bin Hossein, Zayn al-Abidin, Sahifa Sajjadiyyah (Psalms of Islam), Astan Quds Publications, Mashhad: ۲۰۰۸.
۵. Andrew Rippin, ۲۰۰۳ «The Designation of “Foreign” Languages in the Exegesis of the Qur’an», in Jane Dammen McAuliff and others (eds), With Reverence for the Word: Medieval Scriptural Exegesis in Judaism, Christianity, and Islam, New York: Oxford University Press
۶. Badeau, John S, E. F. F. Bishop, and F. C. Grant. ۱۹۶۰, “Artur Jeffery: Atribute”, The Muslim world, ۵۰
۷. Blachère, Régis, On the Threshold of the Quran, Translated by Mahmoud Ramyar, Islamic Culture Publishing Office, Tehran: ۴th Edition, ۱۹۹۵.
۸. Eddie Shir, Persianized Arabic Words, International Publishing Company, ۲۰۱۶.
۹. Goldziher, Ignatius, Belief and Sharia in Islam, Translated by Muhammad Yusuf Musa et al., Dar al-Raid al-Arabi, Beirut: ۱۹۹۲.
۱۰. Hosseini Milani, Ali, A Research on the Negation of Distortion of the Holy Quran, Qom: ۱۴۱۷ AH.
۱۱. Ibn Atiyah Andalusi, Abu Muhammad, Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, (N.p.), ۱۴۱۱ AH.
۱۲. Ibn Faris, Ahmad, Al-Sahibi fi Fiqh al-Lughah, Researched by Seyyed Ahmad Saqar, Printed by Isa al-Babi al-Halabi, Cairo: n.d.
۱۳. Ibn Hajar Asqalani, Tahdhib al-Tahdhib, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۰۴ AH.
۱۴. Ibn Jawzi, Abd al-Rahman bin Muhammad, The Best Art in the Light of the Sciences of the Quran



۱۵. Ibn Jawzi, Abd al-Rahman bin Muhammad, The Provision of Journey, Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut, ۱۴۲۲ AH.
۱۶. Ibn Jinnii, Al-Khasais (The Characteristics), Published by Muhammad Ali Najjar, Beirut: ۱۹۵۷.
۱۷. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, Lisan al-Arab (Language of the Arabs), Dar Sadr, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۱۴ AH.
۱۸. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, Gharib al-Hadith (The Unpopular Narration), Researched by Abdullah Jabouri, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Qom: ۱۴۰۸ AH.
۱۹. Imam Shoushtari, Muhammad Ali, Dictionary of Persian Words in Arabic, Publication of the Association of Scientific Works, ۱۹۶۸.
۲۰. Isiam Mubammad and His Religion, The Library of Religion, ۱۹۸۵. New York
۲۱. Jawaliqi, Abu Mansour, The Non-Arabic Words Arabized According Their Root Letters, Researched by Khalil Imran Mansour, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۹ AH.
۲۲. Jawhari, Ismail bin Hammad, Al-Sihah - Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah, Dar al-Ilam, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۴ AH.
۲۳. Jeffery, Arthur Material for the history of the text of the Quran, Leiden ۱۹۷۵, repr. New York
۲۴. Jeffrey, Arthur, Two Introductions on the Sciences of the Quran, Published by Abdullah Ismail Sawi, Maktabah al-Khanaji, Cairo: ۱۹۷۲.
۲۵. Jeffrey, Arthur, Words Involved in the Holy Quran, Translated by Fareedoun Badraei, Toos Publications, Tehran: ۱۹۹۳.
۲۶. Khafaji, Ahmad bin Muhammad, Shifa al-Ghalil fima fi Kalam al-Arab min al-Dakheel, Published by Muhammad Badruddin Na'sani, Cairo: ۱۳۲۵ AH.
۲۷. Khoei, Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Clarification in the Exegesis of Quran), Muassasah Iyha Athar al-Imam al-Khoei (Institute for the Revival of Works of Imam Khoei), Qom: ۱۴۱۸ AH.
۲۸. Krenkow, Encyclopedia de I Islam (art.kitad)
۲۹. Ma'refat, Muhammad Hadi, Siyanah al-Quran min al-Tahrif (The Protection of the Quran from Distortion), Al-Tamhid Institute Publications, Qom: ۱۴۱۳ AH.





۳۰. Ma'refat, Muhammad Hadi, Tafsir al-Athari al-Jame', Published by Dhawi al-Qurbi, Qom: ۲۰۰۸.
۳۱. Maghribi, Abd al-Qadir, Kitab al-Ishtiqaq wa al-Ta'rib, Egypt: ۱۹۰۸.
۳۲. Maher Jarrar, Heaven and sky. Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, V: ۲, PP. ۴۱۰- ۴۱۲.
۳۳. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar (Oceans of Lights Comprising the Pearls of Narrations from Holy Imams (AS)), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲nd Edition, ۱۹۸۳.
۳۴. Makarem Shirazi, Naser, Al-Amthal fi Tafsir Kitabillah al-Munzal (The The Ideal Exegesis of Divine Book), Madrasah al-Iman Ali bin Abi Talib, Qom: ۱۴۲۲ AH.
۳۵. Mesbah Yazdi, Muhammad Taghi, Multiplicity of Comprehensions, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: ۲۰۰۳.
۳۶. Meybodi, Rashid al-Din, Kashf al-Asrar wa Iddah al-Abrar, Amir Kabir Publications, Tehran: ۵th Edition, ۱۹۹۲.
۳۷. Mujtahid Shabestari, Muhammad, Hermeneutics of Quran and Sunnah, Tarh Now, Tehran: ۲۰۰۰.
۳۸. Nasfi, Aziz al-Din, Bayan al-Tanzil (The Clarification of the Quran), Anjoman Athar wa Mafakhir e Farhangi, Tehran: ۲۰۰۰.
۳۹. Natel Khanlari, Parviz, Linguistics and Persian Language, Bunyad e Farhang, Tehran: ۲nd Edition, ۱۳۴۷ AH.
۴۰. Paul Kunitsch, Planets and Stars. Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, V: ۴, PP. ۱۰۶ - ۱۰۹.
۴۱. Qala'aji, Muhammad Rawas, The Language of the Quran, The Favorite Language of the Arab, Dar al-Nifais, Beirut: ۱۴۰۸ AH.
۴۲. Qurtubi, Muhammad Ibn Ahmad, Al-Jami 'al-Lahkam al-Quran, Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۳۷۸ AH.
۴۳. Raghیب Esfahani, Vocabulary of Quranic Words, Researched by Safwan Adnan Davoodi, Talia'h al-Noor, Qom: ۱۴۲۷ AH.
۴۴. Ramzi Baalbaki, (۱۹۸۳) "Early Arab Lexicographers and the Use of Semitic Languages," Berytus ۳۱



۴۵. Sabri, Muhammad, The Talmud; The Sharia of the Israelites, Facts and Events, Makabah Madbouli, Cairo: ۲۰۱۱
۴۶. Saeedi Roshan, Muhammad Baqir, Analysis of Quranic Language and Methodology of Understanding It, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought, Qom: ۲۰۰۴.
۴۷. Sajidi, Abolfazl, The Language of Religion and the Quran, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: ۲۰۰۶.
۴۸. Salim Mukarram, Abdul Aal, Arabic Language in the Light of the Holy Quran, Alam al-Kutub, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۴۹. Salim Mukarram, Abdul Aal, Quranic Propositions Concerning the Linguistic Subjects, Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۰۸ AH.
۵۰. Shafi'i, Muhammad bin Idris, Alam, Dar al-Ma'rifah, Beirut: n.d.
۵۱. Shafi'i, Muhammad bin Idris, Al-Risalah, Researched by Ahmad Muhammad Shakir, Al-Maktabah al-Ilmiyyah Beirut: n.d.
۵۲. Shahin, Abd al-Sabur, Quranic Recitations in the Light of Hadithi Terms, Dar al-Qalam, N.p: ۱۹۶۶.
۵۳. Shawqi Amin, Muhammad, Jawaz al-Ta'rib ala Ghair Awzan al-Arab, Journal of the Arabic Language Association, ۱۹۵۹.
۵۴. Shojaei, Hossein and Saqafian, Ali, "The Effect of Recognizing the Historical Developments of the Arabic Language on the Scope of Etymological Research of Quranic Words", Journal of Quranic and Hadith Studies, No. ۲۱, ۲۰۱۷.
۵۵. Sibawayh, Amr bin Uthman, The Book of Sibawayh, Published by Abdul Salam Muhammad Harun, Cairo: ۱۴۱۱ AH.
۵۶. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Uloom al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), Dar al-Turath, Cairo: ۱۹۶۷.
۵۷. Suyuti, Jalaluddin, Al-Muhazzab fima Waqa' min al-Muarrab, Researched by Abdullah Jibouri, Al-Mawrid, ۱st Edition, ۱۹۷۱.
۵۸. Suyuti, Jalaluddin, Al-Mutawakkili, Researched by Abdul Karim Zubaidi, Dar al-Balaghah, Beirut: ۱۴۰۸ AH.



۵۹. Suyuti, Jalaluddin, Al-Muzhir fi Ulum al-Lughah wa Anwai'ha, Researched by Muhammad Abdul Rahim, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۲۵ AH.
۶۰. Suyuti, Jalaluddin, Lubab al-Nuqul fi Ijab al-Nujul, Muassasah al-Kutub al-Thiqafiyyah, Beirut, ۱۴۲۲ AH.
۶۱. Suyuti, Jalaluddin, Mu'tarak al-Aqran fi I'jaz al-Quran, Researched by Ahmad Shams al-Din, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, ۱۴۰۷ AH.
۶۲. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan (A Comprehensive Discussion), Researched by Sadaqi Jamil al-Attar, Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۶۳. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Muassasah al-A'lami, Beirut: ۲nd Edition, ۲۰۱۱.
۶۴. Tha'labi, Abd al-Rahman bin Muhammad, Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Quran, Dar Ihyah al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۶۵. Tha'labi, Abdul Malik bin Muhammad, Fiqh al-Lughah and Secret of Arabic Language, Published by Sulayman Salim Bawwab, Damascus: ۱۴۰۹ AH.
۶۶. Thani, Muhammad Abu Bakr, Talmud and the Its Position in Theology, Al-Madinah al-Munawarah: ۱۴۳۳.
۶۷. The foreign vocabulary of the Qoran, ۱۹۳۸. Jeffery, Arthur. Baroda.
۶۸. Vahedi, Ali Ibn Ahmad, The Causes of the Revelation of the Quran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Beirut: ۱۴۱۱ AH.
۶۹. Zamakhshari, Mahmud, Al-Kashshaf (The Discovering), Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ۱۴۰۷ AH.
۷۰. Zarkashi, Muhammad bin Bahadur, Al-Burhan fi Uloom al-Quran (A Demonstration on the Quranic Sciences), Research by Muhammad Abu al-Fadhl Ibrahim, Al-Halabi, Cairo: ۱۹۵۷.